

کارکرد و آثار حقوق نرم بر حکمرانی جهانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره مسلسل: ۲۰۱۷۴
کد موضوعی: ۳۵۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۳/۸/۱۵

عنوان گزارش:

کارکرد و آثار حقوق نرم بر حکمرانی جهانی

نوع گزارش: طرح ولایحه □، نظارتی □، راهبردی ■

نام دفتر:

مطالعات حکمرانی (گروه بنیادین حکومتی)

تهیه و تدوین کنندگان:

سیدمحمد امین علوی شهری، توحید اسماعیل پور (مطالعات بنیادین حکومتی)

اظهار نظر کننده:

سید احسان رفیعی علوی (مطالعات حقوقی)

اظهار نظر کننده خارج از مرکز:

حوریه حسینی اکبرنژاد (استادیار حقوق بین الملل دانشگاه تربیت مدرس)

ناظر علمی:

مهدی عبدالحمید

گرافیک و صفحه آرایی:

انسیه بهاء بزرگی

ویراستار ادبی:

زهره عطاردی

واژه‌های کلیدی:

۱. حکمرانی جهانی

۲. حقوق نرم

۳. حقوق سخت

۴. بازیگران غیردولتی

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۲/۱۱/۱۰



فهرست مطالب

۶	چکیده.....
۷	خلاصه مدیریتی.....
۹	۱. مقدمه.....
۱۰	۲. تعریف و ویژگی‌های حکمرانی جهانی.....
۱۱	۳. حقوق نرم.....
۲۵	۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۲۷	منابع و مأخذ.....

فهرست شکل‌ها

۱۶	شکل ۱. مزایای حقوق نرم در حکمرانی جهانی.....
۲۱	شکل ۲. تأثیر حقوق نرم بر حکمرانی جهانی در حوزه‌های مختلف.....
۲۴	شکل ۳. چالش‌های حقوق نرم در حکمرانی جهانی.....



کارکرد و آثار حقوق نرم بر حکمرانی جهانی

چکیده



چشم‌انداز معاصر حکمرانی جهانی به‌عنوان سازوکاری که هدف آن پرداختن به چالش‌هایی است که فراتر از مرزهای ملی و نیازمند راه‌حل‌های جمعی هستند، به‌طور فزاینده‌ای علاوه بر اسناد حقوقی سخت، تحت تأثیر اسناد حقوقی نرم نیز است. حقوق نرم عبارت است از هنجارها، اصول و شیوه‌هایی که از قدرت الزام‌آور اسناد حقوقی سخت برخوردار نیستند، اما با ایجاد التزام در بازیگران مؤثر در حکمرانی جهانی یعنی دولت‌ها از یک‌سو و بازیگران غیردولتی از سوی دیگر، در حوزه‌های مختلفی همچون اقتصاد، پولی-مالی، محیط زیست، حقوق بشر و فناوری تأثیر قابل‌توجهی بر رفتار بین‌المللی آنها دارد. بنابراین، پرداختن به حقوق نرم به‌منظور درک تأثیر فراگیر آن بر حکمرانی جهانی ضروری است. این گزارش با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای کارکرد حقوق نرم در حکمرانی جهانی را تشریح می‌کند و نشان می‌دهد که حقوق نرم چگونه همکاری‌های بین‌المللی را تسهیل کرده و بر تدوین سیاستگذاری‌ها تأثیر می‌گذارد و در نهایت، رفتار بازیگران جهانی را شکل می‌دهد. این گزارش همچنین نقش حقوق نرم را در توسعه تدریجی اسناد حقوقی سخت، ظرفیت آن برای انطباق با چالش‌های جهانی و نیز سهم آن در ثبات روابط بین‌المللی برجسته می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشانگر آن است که حقوق نرم، درحالی‌که فاقد قدرت الزام‌آور حقوق سخت است، اما در سازماندهی حکمرانی جهانی تأثیر بسزایی دارد.



■ بیان / شرح مسئله

حکمرانی جهانی به چارچوبی از نهادها، قواعد، هنجارها و رویه‌هایی اطلاق می‌شود که اقدامات و همکاری‌های جمعی میان دولت‌ها و نیز سایر موجودیت‌های بین‌المللی در مقیاس جهانی را تسهیل می‌کند. هدف حکمرانی جهانی پرداختن به چالش‌هایی است که فراتر از مرزهای ملی و نیازمند راه‌حل‌های جمعی هستند. ما در جهانی زیست می‌کنیم که اجزا و عناصر آن به‌طور گسترده‌ای درهم‌تنیده شده و با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند و حکمرانی در آن که به شدت پویاست و روزبه‌روز دستخوش تغییرات فراوانی می‌شود، به چارچوب‌هایی فراتر از چارچوب‌های حقوقی سنتی نیاز دارد. امروزه اگرچه معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی همچنان نقش مهمی در جهت‌دهی به حکمرانی جهانی ایفا می‌کنند، اما یک نظام موازی از حقوق نرم نیز پدید آمده است که هنجارها، رفتارها و همکاری میان بازیگران مختلف را شکل می‌دهد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸، بیانیه سران ملل متحد در سال ۲۰۰۰ موسوم به اعلامیه هزاره، اسناد کنفرانس ۱۹۹۲ محیط زیست و توسعه معروف به کنفرانس ریو، اعلامیه وین و برنامه اقدام تصویب شده در کنفرانس جهانی حقوق بشر ۱۹۹۳، سند نهایی کنفرانس جمعیت و توسعه ۱۹۹۴ در قاهره و یا سند اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ همگی بخش کوچکی از نمود بیرونی فرایند نوین شکل‌دهی به همکاری‌های بین‌المللی هستند که با عنوان حقوق نرم مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

حقوق نرم اصطلاحی است که طبقه‌بندی نوعی پدیده هنجاری در حوزه‌ای میان حقوق و غیرحقوق را تحت پوشش قرار می‌دهد. این پدیده از این لحاظ که اثر جهت‌دهنده دارد و بر اراده و اختیار مخاطبان حقوق نرم تأثیر می‌گذارد، متصف به صفت «حقوق» شده است. به عبارت دیگر، دولت‌ها در حقوق نرم تعهدی الزام‌آور برعهده نمی‌گیرند، اما برای رسیدن به اصول و اهدافی که در قالب حقوق نرم تدوین می‌شوند خود را ملتزم می‌دانند.

امروزه حقوق نرم که با هنجارها، اصول و دستورالعمل‌های غیرالزام‌آور شناخته می‌شود، نقش مهمی در تنظیم روابط میان دولت‌ها از یک‌سو و سازمان‌های بین‌المللی و بازیگران غیردولتی از سوی دیگر ایفا می‌کند. اهمیت حقوق نرم را می‌توان در ظرفیت آن برای تکمیل و افزایش اثربخشی حقوق سخت دانست. از آنجایی که دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و بازیگران غیردولتی با چالش‌های پیچیده‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کنند- از تغییرات اقلیمی گرفته تا امنیت سایبری- این حقوق نرم است که راه‌حلی انعطاف‌پذیر به‌منظور پر کردن شکاف‌ها و نیز تقویت همکاری‌ها در عرصه حکمرانی جهانی فراهم می‌آورد.

همزیستی حقوق نرم و حقوق سخت درعین‌بروز چالش‌ها، فرصت‌هایی را نیز در عرصه حکمرانی جهانی به‌وجود می‌آورد. نگرانی دولت‌ها به‌دلیل کم‌رنگ شدن حاکمیت آنها، فقدان سازوکار اجرایی و نیز مسائل مربوط به مشروعیت حقوق نرم از یک‌سو و چابکی، قابلیت سازگاری و فراگیر بودن حقوق نرم از سوی دیگر، ما را به این پرسش می‌رساند که چگونه حقوق نرم شکاف میان ساختارهای حقوقی رسمی و نیازهای پویای حکمرانی جهانی را پر می‌کند؟

■ نقطه‌نظرات/یافته‌های کلیدی

در طول این نوشتار، ماهیت چندوجهی حقوق نرم و کارکرد آن در حکمرانی جهانی در حوزه‌های مختلف را بررسی و تحلیل گردید و بیان شد که حقوق نرم به‌عنوان پلی میان تعهدات حقوقی سخت و نیازهای انعطاف‌پذیر همکاری بین‌المللی عمل می‌کند. حقوق نرم اگرچه بدون چالش نیست، اما چارچوبی پویا و سازگار برای پرداختن به مسائل پیچیده جهانی از جمله در حوزه اقتصاد، حوزه پولی-مالی، حوزه محیط زیست، حوزه حقوق بشر و حوزه فناوری با دربرگرفتن طیف متنوعی از بازیگران جامعه جهانی را ارائه می‌کند. به‌علاوه، حقوق نرم می‌تواند به‌عنوان پیش‌درآمد و مقدمه‌ای برای شکل‌گیری حقوق سخت عمل کرده و زمینه را برای توسعه تدریجی موافقت‌نامه‌های الزام‌آور بین‌المللی فراهم کند.

چالش‌های حقوق نرم، به‌ویژه از نظر ضمانت اجرا، چندپارگی حقوقی و کاستی دموکراتیک، قابل توجه است. با این حال، آنها غیرقابل حل نیستند. با نگاهی به آینده، قواعد و مقررات نرم به احتمال زیاد نقش مهمی را در حکمرانی جهانی ایفا خواهد کرد، به‌خصوص که جهان با تغییرات سریع فناوری و نگرانی‌های زیست‌محیطی دست‌وپنجه نرم می‌کند و این پیچیدگی فزاینده چالش‌های جهانی،



فرایندهای سنتی قانونگذاری سخت را دشوار و کند کرده است. در نتیجه، قواعد و مقررات حقوقی نرم به‌عنوان روشی مناسب‌تر برای تنظیم رفتارها و کنش‌های بین‌المللی از اهمیت بسیاری برخوردار است. امروزه سیاستگذاران سرتاسر دنیا به حقوق نرم روی آورده‌اند تا همکاری و فراگیری بیشتر را مهیا کنند و زمینه را برای امکان تبدیل این اصول به قواعد حقوقی سخت در طول زمان فراهم آورند.

■ پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاستی

الف) حقوق نرم و قانونگذاری

✓ **ایجاد سازوکارهای نظارتی و تشکیل کمیته‌های مشورتی:** مجلس در راستای ایفای وظیفه نظارتی خود می‌تواند سازوکارهایی نظارتی را به‌منظور ردیابی توسعه و تأثیر حقوق نرم بر تعهدات بین‌المللی ایران ایجاد کند، با این توضیح که به‌موجب اصول (۷۷ و ۱۲۵) قانون اساسی تنها معاهدات بین‌المللی که دربردارنده تعهدات سخت هستند باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسند. این امر به این معناست که اسناد حقوقی نرم برای اجرایی شدن نیازی به تصویب مجلس را ندارند. مجلس با تعریف ضابطه‌مند و دقیق از اسناد حقوقی نرم و سایر موافقت‌نامه‌های غیرالزام‌آور، در وهله اول می‌تواند دستگاه‌های اجرایی را که مبادرت به پذیرش این اسناد می‌کنند را مکلف کند که این موضوع را به اطلاع مجلس برسانند. در وهله بعدی نیز لازم است مجلس برای تحلیل اسناد حقوقی نرم و پیشنهاد چگونگی هماهنگی آنها با نظام حقوقی ایران کمیته‌های مشورتی تشکیل داده و از مرکز پژوهش‌های مجلس نظر کارشناسی دریافت کند.

ب) افزایش مشارکت در مجامع بین‌المللی

✓ **تعامل فعال:** تشویق به مشارکت فعال در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی که در آنها اسناد حقوقی نرم ایجاد شده و توسعه می‌یابد تا اطمینان حاصل شود که دیدگاه‌های دولت ارائه و از منافع ملی حفاظت می‌شود. به‌عنوان مثال حضور فعالانه جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس‌های اعضای کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در رابطه با تغییرات اقلیمی به‌عنوان مجمعی که در آن قواعد حقوقی نرم مرتبط با مسئله محیط زیست و تغییرات اقلیمی شکل می‌گیرد، ضروری است. این اتفاق باید در سایر مجامعی که قواعد حقوقی نرم در آنها ایجاد می‌شود نیز رخ دهد.

✓ **ظرفیت‌سازی:** سرمایه‌گذاری در ظرفیت‌سازی برای دیپلمات‌ها و کارشناسان حقوقی به‌منظور مشارکت مؤثر در شکل‌گیری اسناد حقوقی نرم در سطح بین‌المللی.

✓ **ایجاد اتحادهای استراتژیک:** اتحادهای استراتژیک با سایر دولت‌ها برای تأثیرگذاری بر توسعه و شکل‌گیری اسناد حقوقی نرم در زمینه‌های مورد علاقه متقابل مانند فناوری، محیط زیست و حقوق بشر.

۱. مقدمه

حکمرانی جهانی به چارچوبی از نهادها، قواعد، هنجارها و رویه‌هایی اطلاق می‌شود که اقدامات و همکاری‌های جمعی میان دولت‌ها و نیز سایر موجودیت‌های بین‌المللی در مقیاس جهانی را تسهیل می‌کند. هدف حکمرانی جهانی پرداختن به چالش‌هایی است که فراتر از مرزهای ملی و نیازمند راه‌حل‌های جمعی هستند. ما در جهانی زیست می‌کنیم که اجزا و عناصر آن به‌طور گسترده‌ای درهم‌تنیده شده و با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند و حکمرانی در آن که به شدت پویاست و روزبه‌روز دستخوش تغییرات فراوانی می‌شود، به چارچوب‌هایی فراتر از چارچوب‌های حقوقی سنتی نیاز دارد. امروزه اگرچه معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی همچنان نقش مهمی در جهت‌دهی به حکمرانی جهانی ایفا می‌کنند، اما یک نظام موازی از حقوق نرم نیز پدید آمده است که هنجارها، رفتارها و همکاری میان بازیگران مختلف را شکل می‌دهد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸، بیانیه سران ملل متحد در سال ۲۰۰۰ موسوم به اعلامیه هزاره، اسناد کنفرانس ۱۹۹۲ محیط زیست و توسعه معروف به کنفرانس ریو، اعلامیه وین و برنامه اقدام تصویب شده در کنفرانس جهانی حقوق بشر ۱۹۹۳ و یا سند نهایی کنفرانس جمعیت و توسعه ۱۹۹۴ در قاهره همگی بخش کوچکی از نمود بیرونی فرایند نوین شکل‌دهی به همکاری‌های بین‌المللی هستند که با عنوان حقوق نرم مورد تحلیل قرار گرفته‌اند [۱]. حقوق نرم اصطلاحی است که طبقه‌بندی نوعی پدیده هنجاری در حوزه‌ای میان حقوق و غیرحقوق را تحت پوشش قرار می‌دهد. این پدیده از این لحاظ که اثر جهت‌دهنده دارد و بر اراده و اختیار مخاطبان حقوق نرم تأثیر می‌گذارد، متصف به صفت «حقوق» شده است [۲]. به عبارت دیگر، دولت‌ها در حقوق نرم تعهدی الزام‌آور برعهده نمی‌گیرند، اما برای رسیدن به اصول و اهدافی که در قالب حقوق نرم تدوین می‌شوند، خود را ملتزم می‌دانند.

امروزه حقوق نرم که با هنجارها، اصول و دستورالعمل‌های غیرالزام‌آور شناخته می‌شود، نقش مهمی در تنظیم روابط میان دولت‌ها از یک‌سو و سازمان‌های بین‌المللی و بازیگران غیردولتی از سوی دیگر ایفا می‌کند. اهمیت حقوق نرم را می‌توان در ظرفیت آن برای تکمیل و افزایش اثربخشی حقوق سخت دانست. از آنجایی که دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و بازیگران غیردولتی با چالش‌های پیچیده‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کنند- از تغییرات اقلیمی گرفته تا امنیت سایبری- این حقوق نرم است که راه‌حلی انعطاف‌پذیر به‌منظور پر کردن شکاف‌ها و نیز تقویت همکاری‌ها در عرصه حکمرانی جهانی فراهم می‌آورد.

همزیستی حقوق نرم و حقوق سخت درعین بروز چالش‌ها، فرصت‌هایی را نیز در عرصه حکمرانی جهانی به‌وجود می‌آورد. نگرانی دولت‌ها به‌دلیل کم‌رنگ شدن حاکمیت آنها، فقدان سازوکار اجرایی و نیز مسائل مربوط به مشروعیت حقوق نرم از یک‌سو و چابکی، قابلیت سازگاری و فراگیر بودن حقوق نرم از سوی دیگر، ما را به این پرسش می‌رساند که چگونه حقوق نرم شکاف میان ساختارهای حقوقی رسمی و نیازهای پویای حکمرانی جهانی را پر می‌کند؟ در ادامه و در بخش اول این پژوهش مفاهیم حقوق نرم و حکمرانی جهانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در بخش دوم کارکرد و آثار حقوق نرم بر حکمرانی جهانی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.



۲. تعریف و ویژگی‌های حکمرانی جهانی

پایان جنگ سرد را می‌توان یک لحظه مهم در امور جهانی دانست. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان یافتن نظم دوقطبی، جهان با یک دگرگونی مواجه شد. در طول جنگ سرد، این آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی بودند که بر روابط بین‌الملل تسلط داشتند و نظم جهانی را از طریق ایدئولوژی‌های رقیب، قدرت نظامی و اتحاد‌های استراتژیک خود شکل می‌دادند. اما با پایان این نظم، پویایی‌های جدیدی پدیدار و اقتدار دولت‌ها و به‌عبارت بهتر ساختار دولت‌محور دستخوش دگرگونی‌های مهمی شد. در حالی که دولت‌ها همچنان بازیگران حیاتی بودند، قدرت آنها بازتعریف شد و نهادهای غیردولتی هم به‌مرور از اهمیت برخوردار شدند [۳]. عوامل متعددی در تعدیل این ساختار دولت‌محور نقش داشته‌اند، به این معنا که از یک‌سو فرایند جهانی شدن و نیز ظهور قدرت‌های جدید و از سوی دیگر، بروز مشکلات و مسائل جدید در نظام مدیریت جهانی همچون چالش‌هایی نظیر وضعیت محیط زیست و تغییرات اقلیمی، مسائل امنیت سایبری و حقوق بشر سبب شده تا تحلیلگران سیاسی و دانشمندان را درباره مدیریت مسائل جهانی به تأمل وادارد [۳]. حاصل یکی از این تأملات، همانا اندیشه حکمرانی جهانی است.

در سال ۱۹۹۲، دبیرکل سازمان ملل متحد، پطرس پطرس غالی^۱ با هدف «شناسایی چالش‌های عمده پیش روی بشریت در آستانه هزاره جدید و تفکر درباره راه‌های برخورد با آنها» کمیسیون حکمرانی جهانی^۲ را بنا نهاد. نخستین گزارشی که مفهوم حکمرانی جهانی در آن به‌کار رفت و در سطح گسترده‌ای انتشار یافت، گزارش همین کمیسیون بود که با عنوان محله جهانی ما^۳ در سال ۱۹۹۵ منتشر شد [۴].

حکمرانی جهانی به مفهوم دولت جهانی، نظام واحد جهانی و اقتدار مبتنی بر ساختار سلسله‌مراتبی از بالا به پایین نیست. بلکه حکمرانی، اجتماع چندسطحی فعالیت‌ها، قواعد و سازوکارهای رسمی و غیررسمی، عمومی و خصوصی وابسته به حکمرانی در حال ظهور در جهان امروز است [۵].

بررسی‌ها نشان می‌دهد که حکمرانی جهانی اغلب دچار یک آشفتگی مفهومی بوده و از زوایای مختلف به‌صورت متفاوت بحث شده است. مهم‌ترین تعاریفی که از این مفهوم ارائه شده عبارتند از:

۱ کمیسیون حکمرانی جهانی: حکمرانی جهانی فرایندی است که به‌سبب منافع گوناگون و متضادی که همساز شده‌اند، اقدامات مشارکت‌جویانه تداوم می‌یابد و شامل ترتیبات رسمی و غیررسمی می‌شود که مردم و نهادها آن را به‌عنوان منفعت خود می‌شناسند و درک کرده‌اند [۶].

۲ جیمز روزنا:^۴ حکمرانی شمول بیشتری از دولت دارد و شامل سازوکارهای رسمی و غیررسمی می‌شود که به‌موجب آن افراد و سازمان‌ها با بهره‌گیری از نظام‌های اعمال حاکمیت به پیگیری هدف‌ها از طریق اعمال سلطه‌ای می‌پردازند که انعکاسی فراملی دارد [۵].

۳ الکه کراهمان:^۵ نظام اداره امور که در آن تدوین و اجرای سیاست‌ها به‌وسیله شبکه متداخلی از بازیگران دولتی و غیردولتی در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی شکل می‌گیرد [۵].

۴ استیون راسل:^۶ حکمرانی روندی است که یک سازمان یا جامعه، به‌وسیله آن خود را جهت می‌دهد و پویایی ارتباطات و کنترل در کانون این روند قرار دارد [۵].

۵ میهالی سیمایی:^۷ حکمرانی بهره‌مندی از راه‌های متفاوت و پیچیده‌ای است که از طریق آن بازیگران ملی و بین‌المللی، به‌صورت مشترک، به فهم و ارائه راه‌حل می‌پردازند تا اهداف مشترک‌شان را محقق کنند [۷].

با این تعاریف و توضیحات می‌توان گفت که هسته مفهومی حکمرانی جهانی تعامل در همه زمینه‌ها یا تعامل نامحدود دولت‌ها

1. Boutros Boutros-Ghali
2. Commission on Global Governance
3. Our Global Neighborhood
4. James N. Rosenau
5. Elke Krahnann
6. Steven Russell
7. Mihaly Simai

بر اساس منافع مشترک و تنظیم اقدام مشترک برای حل مشکلات جمعی جهانی یا رژیم‌های نظارتی بین‌المللی است. حکمرانی جهانی یک حوزه چندوجهی است و با مجموعه‌ای از ابزارها و سازوکارهای طراحی شده برای مدیریت و تنظیم روابط بین‌الملل تعیین می‌شود که هر کدام نقش مشخصی را در تنظیم امور جهانی ایفا می‌کنند. از ابزارها و سازوکارهای مهم در حکمرانی جهانی همانا سازمان‌ها و معاهدات بین‌المللی هستند که ستون‌های سنتی حکمرانی جهانی را تشکیل می‌دهند. به دلیل پیچیدگی‌هایی که در سازمان‌ها و معاهدات بین‌المللی وجود دارد، ابزار و سازوکار دیگری نیز در حکمرانی جهانی ایفای نقش می‌کند که «حقوق نرم» نام دارد [۳]. حقوق نرم مجموعه‌ای است از دستورالعمل‌ها، اصول و هنجارهای غیرالزام‌آور که به‌رغم آنکه از ضمانت اجرای معاهدات بین‌المللی برخوردار نیستند، اما تأثیر قابل توجهی بر دولت‌ها و بازیگران غیردولتی دارد و می‌تواند به سرعت به نیازهای در حال تغییر جامعه بین‌المللی پاسخ دهد. در این پژوهش، تمرکز بر حقوق نرم و تأثیر آن بر معماری حکمرانی جهانی است. پیش از تحلیل آثار و کارکردهای حقوق نرم در حکمرانی جهانی ضروری است تا این مفهوم به‌طور کامل مورد تدقیق قرار گیرد.

« ۳. حقوق نرم ۱»

به‌لحاظ تاریخی برخی وضع عبارت حقوق نرم را به لرد مک‌نر^۱ نسبت داده‌اند. اما در رابطه با اینکه آیا مک‌نر حقوق نرم را در همان معنای نسبتاً رایج امروزی به‌کار برده بود، تردید وجود دارد [۸]. نویسنده دیگری بیان کرده است که از نظر تاریخی مشخص نیست که ابداع اصطلاح حقوق نرم به کجا بازمی‌گردد، اما ایشان به این موضوع اشاره می‌کنند که این اطمینان وجود دارد که اولین خاستگاه بروز و استفاده از این اصطلاح در حقوق بین‌الملل عمومی، به‌عنوان قواعد تنظیم‌کننده روابط میان دولت‌ها بوده است [۹]. این نویسنده در یک تقسیم‌بندی کلی تنظیم رفتارهای بین‌المللی را به دو شیوه می‌داند:

۱. بر اساس انعقاد معاهدات و اسناد الزام‌آور که از آن به حقوق سخت یاد می‌کنند.
۲. با استفاده از اسنادی که از نظر حقوقی الزام‌آور نیستند و اعتبار و قوت اجرایی آنها در عمل بروز می‌کند [۹].

در ادبیات فارسی در رابطه با مفهوم حقوق نرم افراد بسیاری قلم زده‌اند. در این گزارش، منظور از حقوق نرم آن هنجارهایی هستند که به‌لحاظ حقوقی غیرالزام‌آورند و البته در شرف تبدیل شدن به هنجارهایی حقوقی‌اند و یا متضمن میزانی از الزام حقوقی بوده و یا اساساً متضمن الزامی غیرحقوقی (اخلاقی) هستند [۱۰]. به‌عبارت دیگر، برخلاف هنجارهای حقوقی الزام‌آور، حقوق نرم برای تابعین الزام ایجاد نمی‌کند، بلکه در تلاش است که تابعین به‌صورت داوطلبانه به آنها التزام یابند.

۳-۱. ماهیت حقوق نرم

حقوق نرم از آغاز با دشواری‌های بسیار مواجه شده و صاحب‌نظران در این خصوص به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند. دسته نخست کسانی هستند که برای «حقوق نرم» حیثیت حقوقی قائل شده‌اند [۱۱]، و دسته دیگر افرادی هستند که معتقدند حقوق نرم ماهیت حقوقی ندارد و مخالف دسته نخستند [۱۱]. در بررسی‌های صورت گرفته [۱۰]، این دودستگی به دو منطق و رویکرد برمی‌گردد که می‌توان آن را «منطق چندارزشی» و «منطق دوارزشی» نامید. از نظر اندیشمندان منطق دوارزشی، هر مفهوم، یا متضمن اوصاف و عناصر مذکور در تعریف حقوق هست یا نیست. اگر آن مفهوم متضمن این اوصاف بود، در زمره مفاهیم حقوقی جای خواهد گرفت، در غیر این صورت از وصف «حقوق» محروم خواهد بود [۱۲]. این رویکرد، رویکردی غیرمنعطف و به اصطلاح، اطلاق‌گراست [۱۳]. در این رویکرد مفهوم «حقوق نرم» به جهت اینکه عنصر الزام دولت را ندارد، از مفاهیم حقوقی تلقی نمی‌شود و اطلاق حقوق به آن از روی تساهل و تسامح یا استعمال مجازی است.

در مقابل، برخی از اندیشمندان، به منطق چندارزشی قائلند، به این معنا که حقوق باید طوری تعریف شود که انطباق کامل با مفهوم حقوق سخت داشته باشد، اما چنانچه یکی از اوصاف یا عناصر آن تعریف در یک مفهوم وجود نداشته باشد یا کم‌رنگ شود، باز هم

2. Lord McNair
3. Hard Law



آن مفهوم در زمره مفاهیم حقوقی جای خواهد داشت. این نظریه‌پردازان، حقوق را «تعهدات لازم‌الاجرای حقوقی که دقیق بوده و قدرت و اختیار تفسیر و اجرای آن به دیگری واگذار می‌شود»، تعریف کرده‌اند [۱۱]. همین تعریف را کاملاً مطابق با حقوق سخت دانسته‌اند. به تعبیر دیگر، سه عنصر یاد شده در این تعریف، یعنی «تعهد»، «دقت» و «واگذاری قدرت و اختیار برای تفسیر و اجرای قانون به دیگری» سه عنصر تشکیل‌دهنده این تعریف هستند که هر سه در حقوق سخت وجود دارد و کاملاً با حقوق سخت منطبق است [۱۴].

طبق این نظریه، چنانچه هر سه عنصر در یک مفهوم وجود نداشته باشد، آن مفهوم به صورت کلی از دایره حقوق خارج خواهد شد، اما اگر نقص یا ضعفی در یکی از عناصر سه‌گانه به وجود آید، آن مفهوم از مفاهیم حقوقی خارج نمی‌شود، بلکه عنوان «حقوق نرم» به خود می‌گیرد. براساس این دیدگاه، حقوق نرم، عنصر تعهد و دقت را دارد، اما عنصر ضمانت اجرای حقوقی در آن کم‌رنگ و ضعیف است. از این جهت حقوق نرم ماهیت حقوقی خود را دارد، هرچند این ماهیت مرتبه دیگری از حقوق است که مقابل حقوق سخت قرار می‌گیرد.

ما در این پژوهش رویکرد منطق‌چندارزشی را مورد پذیرش قرار می‌دهیم، چراکه معتقدیم حقوق نرم اگر متصف به صفت حقوق نمی‌بود، تا این حد در عرصه حکمرانی جهانی که در ادامه به توضیح آن می‌پردازیم، مورد استفاده قرار نمی‌گرفت. بنابراین، در این پژوهش هر جا سخن از حقوق نرم می‌شود، این تعریف مدنظر خواهد بود: «حقوق نرم» عبارت است از آن دسته هنجارهایی که واجد برخی خصیصه‌های حقوقی هستند، اما تمام ویژگی‌های حقوق سخت را ندارد. لذا واژه «نرم» در آن به این معنا نیست که اهمیت حقوقی نداشته باشد.

۲-۳. رابطه مفهومی حقوق نرم و سخت

چنان‌که گفته شد، در حقوق سخت، قدرت و اختیار برای تفسیر و اجرای قانون به دیگری واگذار می‌شود و به تعبیر دیگر شخص ثالث (دولت) است که متعهدین یا متعاقدين را ملزم به رعایت حقوق می‌کند و درحقیقت قوام این نوع از حقوق به دخالت دولت است و دولت با تضمین اجرای حقوق سخت حتی به اجبار، فرد را ملزم به فعل یا ترک فعل خاصی می‌کند. حقوق سخت، ذاتاً الزامات قضایی و کیفری به همراه دارد، حال آنکه حقوق نرم عبارت است از مقررات حقوقی که فاقد خصیصه ضمانت اجرای حقوقی هستند و التزام به آن از طرف خود فرد یا افراد و نهاد وجود دارد. از این‌رو از طریق پذیرش اختیاری و داوطلبانه در روابط حقوقی وارد می‌شود.

در حقوق سخت معادله به این شرح است که شخص در مواجهه با حقوق سخت، از آن جهت که نقض حقوق از جانب دولت مجازات دارد، قانون‌گرایی در پیش می‌گیرد و خود را در روابط اجتماعی ملزم به رعایت حقوق افراد و قانون می‌کند و چنانچه بداند مجازات و ضرری در کار نیست یا ضرر وارد شده چشمگیر نیست، پایبند به قانون نخواهد بود، بلکه قانون‌گریزی را برمی‌گزیند. به بیان دیگر، موازنه دو ضرر را با هم می‌سنجد و به هریک از طرفین که ضرر کمتری داشته باشد، گرایش پیدا می‌کند.

در حقوق نرم معادله متفاوت است. در این نوع حقوق، شخص در مواجهه با قانون، از آن جهت که عمل به قانون و قانون‌گرایی منفعت دارد، به آن گردن می‌نهد و به حقوق افراد پایبند است. از طرفی هم، نفس قانون‌گریزی، با اینکه ضمانت اجرا ندارد، باعث ورود ضرر بر خود شخص می‌شود یا اینکه سبب از دست دادن نفعی برای وی می‌شود. در این نوع از حقوق و قوانین، شخص ترس از ضمانت اجرا ندارد، بلکه کسب منفعت و ترس از نفع نبردن باعث می‌شود بدون دخالت شخص دیگری به صورت اختیاری اقدام به رعایت قانون کند.

از مصادیق حقوق نرم می‌توان به توصیه‌نامه‌ها، سازش‌های خارج از دادگاه، و عرف‌های بازاری منصفانه اشاره کرد [۱۵]. موارد ذکر شده فاقد الزامی هستند که در حقوق سخت مطرح است و صرفاً توصیه‌هایی می‌باشند تا افراد به روش‌هایی که با استانداردهای مناسب مطابق است ملتزم شوند. با این توضیح، در هر سند حقوق نرم، التزام و ضمانت اجرایی متناسب با آن، هرچند نرم، متصور است و معمولاً از طریق ابزارهای غیرقضایی، نظیر سودآوری و اعتبار صنفی تضمین می‌شود [۱۵]. در مجموع، در حقوق نرم، غالباً توجه به آثار مترتبه رعایت آن حقوق است، به این معنا که شخص بدون توجه به ضمانت اجرا، آثار، منافع و مضرات را در ازای این

حق متوجه خود می‌داند و به‌این ترتیب، این حقوق را زیر پا نمی‌گذارد. غالب تفاهم‌نامه‌ها، در زمره حقوق نرم هستند، چراکه هیچ‌گونه ضمانت اجرایی برای پایبندی به آن وجود ندارد، بلکه خروج از آن به ضرر خود شخص تمام می‌شود و امتیازاتی را از دست می‌دهد. برای مثال فرض کنید که در عرصه تجاری، دو شرکت با یکدیگر تفاهم‌نامه‌ای با این مضمون امضا می‌کنند که یکی از شرکت‌ها برای دیگری بازاریابی کند و شرکت دیگر متعهد می‌شود در ازای بازاریابی وی، درصدی از سود فروش کالاها را در اختیار شرکت بازاریاب بگذارد. درواقع طرفین، حقوقی را برای یکدیگر وضع می‌کنند؛ به این معنا که هر دو طرف با لحاظ رسیدن به منافع شخصی، که نتیجه رعایت حق طرف مقابل است، خود را به رعایت حق دیگری ملتزم می‌کند که این نوعی از حقوق نرم است. البته در مثال مذکور، طرفین خود اقدام به وضع قرارداد و حق کردند، درحالی‌که این اقدام می‌تواند از جانب نهاد یا شخص ثالثی نیز باشد. برای مثال دولت هم می‌تواند نقش هدایتی و نظارتی داشته باشد و بدون توسل به عنصر ضمانت اجرا چنین اقداماتی را انجام دهد. با این‌وصف، نقش دولت در حقوق نرم منتفی نیست، بلکه دولت می‌تواند با وضع قواعدی که در آن منافع اشخاص در نظر گرفته می‌شود، دخالت داشته باشد. دخالت دولت‌ها با نگاه توصیه‌ای، حمایتی، تشویقی و مشابه آن است [۱۶]. برای مثال دولت می‌تواند با ابزارهایی همچون ثبت و اختصاصی کردن علائم تجاری در راستای منافع افراد، قواعد نرم وضع کند. ثبت علائم تجاری برای شرکت‌ها، به این منظور که منافعی عاید دارنده علامت تجاری شود، از همین باب است. با این اقدام دولت، تجار برای رسیدن به سود بیشتر به قوانین عرضه و تقاضا پایبندی کامل پیدا می‌کنند و در صورت پایبند نبودن به آن، سودآوری نخواهند داشت، بلکه به ضرر نیز خواهند رسید؛ کمترین ضرر هم خدشه‌دار شدن اعتبار و وجهه آنهاست [۱۷]. نویسنده‌ای دیگر درخصوص تفاوت‌های میان حقوق سخت و حقوق نرم این‌گونه بیان می‌کند که به‌منظور تفکیک میان حقوق نرم و سخت، معیارهای مختلفی توسط صاحب‌نظران بیان شده، اما آن‌چه که اکثریت روی آن اتفاق نظر دارند، سه معیار زیر است [۱۴] [۱۸]:

الف) تعهد

وزن تعهد حقوقی که حقوق سخت ایجاد می‌کند، در مقایسه با حقوق نرم، بیشتر است؛ به‌عبارت دیگر، حقوق نرم تعهد حقوقی ضعیف‌تر ایجاد کرده و یا حتی فاقد هرگونه تعهد حقوقی است.

ب) دقت و صراحت

اصولاً آن دسته از اسنادی که از میزان بالاتری از دقت و صراحت برخوردارند، اسناد حقوقی سخت هستند، حال آنکه اسناد حقوق نرم ابهام بیشتری داشته و از عبارات و اصطلاحات کلی، مجمل و انتزاعی بهره می‌جویند.

ج) نمایندگی

براساس این معیار، در مورد اسناد حقوق سخت این امکان وجود دارد که تفسیر یا اجرای آن را به اشخاص ثالث مستقل از قبیل محاکم و دیوان‌های بین‌المللی واگذار کرد؛ اما در مورد اسناد حقوق نرم، این تفسیر یا اجرا در واضعان آن خلاصه شده و به همین دلیل است که فضای بیشتری را برای مانور نظرات سیاسی فراهم می‌آورد.

لازم است در همین جا اشاره کنیم که معیارهای ذکر شده نسبی هستند؛ به‌معنای دیگر، با اتکا به این معیارها نمی‌توان یک سند یا قاعده را به‌طور مطلق سخت یا نرم نامید، بلکه درجه و شدت و ضعف این معیارهاست که میزان سختی یا نرمی یک قاعده را مشخص می‌سازد [۱۴].

در مجموع و به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان این‌گونه بیان کرد که حقوق نرم فضای منحصربه‌فردی را در حکمرانی جهانی اشغال می‌کند که در تقاطع میان حقوق و سیاست قرار دارد. به‌عبارت دیگر می‌توان این‌گونه برداشت کرد که هنجارهای بین‌المللی در یک طیفی وجود دارند که از یک‌سو این طیف، هنجارهای صددرد غیرالزام‌آور و ازسوی دیگر آن هنجارهای صددرد الزام‌آور را شامل می‌شود و حقوق نرم در میانه این طیف قرار می‌گیرد. به این معنا که هرچند ممکن است ضمانت اجرای سخت نداشته باشند، اما تأثیر قابل توجهی بر رفتارها و کنش‌های بازیگران دولتی و غیردولتی می‌گذارد.

۳-۳. کارکردهای حقوق نرم

چنان‌که در مطلب قبلی نیز به‌طور گذرا اشاره شد، نمی‌توان حقوق سخت را همواره برتر از حقوق نرم دانست، اما واقعیت این است که تابعین حقوق به‌منظور نیل به اهداف خود از طیف وسیعی از اسناد استفاده می‌کنند که براساس سه ویژگی ذکر شده (تعهد،



دقت و نمایندگی) ماهیتی سخت یا نرم دارند. این اسناد منافع و مزایایی را در چارچوب‌های مختلف فراهم می‌آورند و از این رو، بسته به مورد، گاهی به شکل منفرد (تنها حقوق نرم یا سخت) و گاهی به صورت ترکیبی به کار گرفته شده‌اند و در نتیجه، حقوق ممزوج از اسناد نرم و سخت است. به رغم مزیت‌هایی که حقوق سخت دارد، اما برخی از ویژگی‌های منفی آن، سبب تمایل دولت‌ها به حقوق نرم شده است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) کاهش هزینه‌های مربوط به انعقاد یک سند حقوقی سخت همچون معاهده

ایجاد اسناد حقوقی سخت که به عنوان ستون سنتی پیشبرد حکمرانی جهانی در کنار سازمان‌های بین‌المللی قلمداد می‌شود، نیازمند صرف زمانی نسبتاً طولانی است، در حالی که ایجاد اسناد حقوقی نرم، نیازمند هزینه‌ها و زمان کمتری است. به منظور انعقاد تمام موافقت‌نامه‌ها داشتن آگاهی درباره مسائل، چانه‌زنی، زبان تدوین و نگارش در زمره مسائل مهم محسوب می‌شوند، ضمن آنکه در قواعد سخت‌تر مسائل دیگری از قبیل همکاری دولت‌ها، زمان، تصویب و بازنگری نیز اضافه می‌شود. اما حقوق نرم از آنجایی که از رسمیت کمتری برخوردار بوده و زبان تشویقی و توصیه‌ای داشته [۱۹] و فارغ از مشکلات پیش گفته است، می‌تواند روش مناسبی برای تنظیم و بهبود روابط میان دولت‌ها در بسیاری از موضوعات باشد.

هدف تابعین حقوق از پذیرش قواعد اعم از نرم و سخت نیل به منافع است، با این تفاوت که قواعد سخت اغلب در بردارنده هزینه‌هایی است، در حالی که قواعد نرم منافع و مزایای بیشتر در مقابل هزینه‌های کمتر خواهد داشت. در نهایت آنچه که سبب می‌شود دولت‌ها میان این دو گروه قواعد دست به انتخاب بزنند، بستگی به برآوردی دارد که از منافع و هزینه‌های حاصل از هر قاعده به عمل می‌آورند.

ب) کاهش تهدید نسبت به حاکمیت دولت‌ها

با توجه به عدم تمایل دیرینه دولت‌ها به محدود شدن حاکمیت‌شان، مسئله مهم این است که باید میان آنچه دولت‌ها از حقوق به دست می‌آورند، نسبت به آنچه از دست می‌دهند، تعادل وجود داشته باشد، در غیر این صورت، دولت‌ها بدون دلیل موجه وارد عمل نمی‌شوند. حقوق نرم برای تحقق مفهوم حکمرانی جهانی، راه و روشی را فراهم می‌آورد که بر اساس آن دولت‌ها می‌توانند وارد یک رابطه شوند، در حالی که حاکمیت آنها نیز حفظ شده است؛ از جمله، وجود قیود فرار،^۱ عبارت‌پردازی‌های مبهم و نیز اجتناب از محول کردن اختلافات به اشخاص ثالث. این استراتژی‌ها، یک رابطه با کمترین تهدیدات حاکمیتی را برای دولت‌ها به ارمغان می‌آورد [۱۴]. البته این تعادل و موازنه میان حاکمیت از یک سو و مزایای حقوق نرم از سوی دیگر، نسبت به موضوعات مختلف در عرصه حکمرانی جهانی متفاوت عمل می‌کند. به عبارت دیگر، همواره به این شکل نیست که حفظ حاکمیت برای یک دولت بر استفاده حقوق سخت اولویت داشته باشد. لذا نباید تصور کرد که همواره کفه ترازوی حقوق نرم و در نتیجه، حفظ حاکمیت سنگینی کند. برای مثال، زمانی که دولت‌ها به دنبال برقراری روابط طولانی مدت و نهادینه شده باشند، حتی اگر این همکاری و روابط منتهی به تعهداتی شود که حاکمیت دولت‌ها را تهدید کند، باز دولت‌ها مایل به اتخاذ حقوق سخت برای روابط نهادین خود هستند؛ مثال بارز این نوع از روابط، ایجاد سازمان‌های بین‌المللی به ویژه سازمان‌هایی است که با هدف همبستگی ایجاد می‌شوند، همچون اتحادیه اروپا [۱۴]. اما در مورد مسائل مربوط به امنیت ملی، آنچه که از اهمیت بسزایی برخوردار است، حفاظت از حاکمیت دولت‌هاست؛ از این رو، بیان شده که حقوق نرم در مورد مسائل مربوط به امنیت ملی یک هنجار است. به همین دلیل است که حتی در موافقت‌نامه‌هایی نظیر پیمان ناتو اگرچه میزان تعهد بسیار بالاست، اما تعهدات از دقت و صراحت کمتری برخوردار هستند و به عبارت دیگر، تعهداتی مطلقاً سخت محسوب نمی‌شوند؛ زیرا از سه ویژگی گفته شده فقط ویژگی نخست را دارند [۱۴].

ج) مشارکت بازیگران غیردولتی

حقوق نرم تنها محدود به دولت‌ها نبوده، بلکه بازیگران غیردولتی از جمله ارکان سازمان‌های بین‌المللی، محاکم قضایی و شبه قضایی، شرکت‌های تجاری چندملیتی و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی نیز می‌توانند در ایجاد قواعد نرم بین‌المللی نقش ایفا کنند. در عین حال، دولت‌ها نیز به دنبال بازخوردهای ناشی از قواعد نرم در میان شهروندان خود هستند و در نتیجه، به نظرات شهروندان که در قالب سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی ارائه می‌شود، رجوع می‌کنند [۱۴]. این گونه است که با استفاده از حقوق نرم امکان مشارکت بازیگران غیردولتی و شهروندان نیز در عرصه حکمرانی جهانی مهیا می‌شود.

د) انعطاف‌پذیری حقوق نرم و تسهیل توافق

اسناد حقوق نرم، انعطاف‌پذیری بیشتری برای دولت‌ها فراهم می‌آورند و به آنها اجازه کنار آمدن با شرایط متفاوت و متنوع را می‌دهند. ضمن اینکه مشکلات مربوط به حصول سازش، توافق و چانه‌زنی میان دولت‌ها را تسهیل می‌کنند. خصلت انعطاف‌پذیری این حقوق، به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا تعهد را با موقعیت خاص خود تطبیق دهند. برای مثال می‌توان به قواعد اعسار در آنسیترال^۱ (کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد) اشاره داشت. این مقررات، در رابطه با تفاوت‌های اقتصادی و سیاسی موجود میان دولت‌ها انعطاف لازم را به عمل آورده است و لذا توافق و سازش را برقرار کرده، بدون آنکه دولت‌ها را ملتزم به تعهداتی فراتر از توان‌شان کند [۱۴].

ه) توسعه حقوق

با گذر زمان، مسائل جدید و پیچیده‌ای ظهور می‌یابد که باید توسط قواعد حقوقی تنظیم شوند. هرچند موافقت‌نامه‌های بین‌المللی به‌عنوان نماد بارز حقوق سخت می‌توانند در این رابطه نقش‌آفرین باشند، اما مسئله این است که دولت‌ها در پیوستن به معاهداتی که موضوع آنها واضح نیست و یا نتایج حاصل از آنها نامعین است، بسیار محتاطانه عمل می‌کنند. در این میان، حقوق نرم در عرصه حکمرانی جهانی می‌تواند فارغ از خطرات ناشی از عدم قطعیت، برخی از مزایا و منافع حقوقی را تأمین کند. به‌عنوان مثال، مسائل مربوط به تغییرات اقلیمی یکی از چالش‌ها و بحران‌های مهم پیش روی بشر است. اما در خصوص آن میان دولت‌ها تفاوت دیدگاه بسیاری وجود دارد. بنابراین بهترین قالب برای به‌نظم درآوردن مسائلی از این دست، حقوق نرم است؛ زیرا حقوق نرم به دولت‌ها اجازه جاه‌طلبی و به‌زبان آوردن خواسته‌ها و تمایلات‌شان را می‌دهد که این حسن در کنار عدم نگرانی از اجرای تعهد، همکاری‌های عمیق‌تر میان دولت‌ها را در حوزه مسائل جدید به‌دنبال دارد [۲۰].

تا قبل از پیدایش پدیده‌ای با عنوان حقوق نرم، مسائل و موضوعات بحث‌برانگیز و جدید حقوق بین‌الملل با بی‌اعتنایی دولت‌ها مواجه بود. این بی‌توجهی اصولاً در احتراز دولت‌ها از قانونمند کردن مسائل مذکور از طریق قالب‌های حقوق سخت (معاهدات) ریشه داشت. اما انعطاف‌پذیری حقوق نرم این امکان را برای دولت‌ها فراهم آورده و در نتیجه، با سرعت بخشیدن به ایجاد هنجارهای جدید، تبدیل به ابزار مهمی برای توسعه حقوق بین‌الملل و در نتیجه راهبری موضوعات در عرصه حکمرانی جهانی شده است. برای مثال می‌توان از حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست نام برد. حوزه‌ای که دولت‌ها نسبت به بسیاری از ابتکارات و نوآوری‌های آن تمایلی نشان نمی‌دهند و یا با آنها مخالفت می‌کنند و به‌این ترتیب حقوق نرم از ارزش و اهمیت بسیار زیادی به‌ویژه در ایجاد تعادل میان اهداف زیست‌محیطی با سایر اهداف (اقتصادی، اجتماعی و ...) برخوردار است [۱۴].

و) نوآوری در قانونگذاری‌ها و هنجارسازی‌های بین‌المللی

حقوق نرم از طریق معرفی منابع جدید مانند کدهای رفتاری، رهنمودها و استانداردهای فنی غیرالزام‌آور، زمینه نوآوری در عرصه حکمرانی جهانی را به‌وسیله قانونگذاری‌های بین‌المللی را فراهم می‌آورد [۱۵]. برای نمونه می‌توان به استانداردهای فنی مندرج در موافقت‌نامه موانع فنی فراروی تجارت^۲ که از موافقت‌نامه‌های زیرمجموعه سازمان جهانی تجارت است، اشاره کرد.

1. UNCITRAL: United Nations Commission on International Trade Law
2. Technical Barriers to Trade (TBT) Agreement

شکل ۱. مزایای حقوق نرم در حکمرانی جهانی



مأخذ: بر اساس یافته‌های تحقیق

۳-۴. حقوق نرم و حکمرانی جهانی: یک چشم‌انداز در حال تحول

در بخش قبل مشخص شد که حقوق نرم می‌تواند نقشی کلیدی در معماری حکمرانی جهانی ایفا کند. برخلاف حقوق سخت، حقوق نرم شامل اسنادی همچون دستورالعمل‌ها، اعلامیه‌ها و آیین‌نامه‌های رفتاری است که اگرچه دارای ضمانت اجرای حقوقی نیستند، اما به دلیل دارا بودن قدرت اقتناعی، قابل توجه می‌نمایند و بر رفتارها و کنش‌های بین‌المللی می‌توانند تأثیرگذار باشند. حقوق نرم امروزه به‌عنوان یک ابزار برای دولت‌ها و بازیگران غیردولتی تلقی می‌گردد، چراکه به آنها کمک می‌کند تا در رفتارهای جمعی مشارکت کنند. حقوق نرم می‌تواند ثبات و پیش‌بینی‌پذیری را در روابط بین‌الملل تقویت کند و اجازه دهد تا رویکردی انعطاف‌پذیر نسبت به امر خطیر حکمرانی ایجاد شود. رویکردی که قابلیت سازگاری با منافع و ظرفیت‌های مختلف بازیگران جهانی را دارد. سازوکارهای حقوق نرم اغلب راه را برای توسعه حقوق سخت هموار می‌کنند، چراکه این سازوکارها اصولی را تعیین می‌نمایند که ممکن است در طول زمان به تعهدات الزام‌آور مبدل شوند.

حقوق نرم کارکردهای متعددی را در حکمرانی جهانی داراست. حقوق نرم از یک سو می‌تواند به‌عنوان پیش‌درآمد و مقدمه‌ای برای ایجاد و شکل‌گیری حقوق سخت عمل کند و زمینه را برای توسعه معاهدات الزام‌آور فراهم کند و از سوی دیگر، با نقش ایفا کردن در تفسیر و تطبیق حقوق سخت با شرایط جدید نقش ایفا کرده و درجه‌ای از انعطاف‌پذیری را فراهم می‌کند که اغلب در یک چشم‌انداز

جهانی که به سرعت در حال تغییر است، ضروری می‌باشد.

تأثیر حقوق نرم بر حکمرانی جهانی را می‌توان از طریق مطالعات موردی خاص که کاربرد و تأثیر آن را در بخش‌های مختلف نشان می‌دهد، به بهترین شکل درک کرد. در ادامه به تأثیر حقوق نرم در حوزه‌های مختلف اشاره خواهد شد. گفتنی است که موارد ذکر شده جنبه حصری ندارند و تمثیلی هستند و هدف، نشان دادن به‌کارگیری ابزارهای حقوقی نرم در حکمرانی جهانی است.

۱-۴-۳. تأثیر حقوق نرم در حوزه اقتصاد

به نظر می‌رسد که قلمرو حکمرانی اقتصاد جهانی با اتکای فزاینده به اسناد حقوقی نرم به‌عنوان ابزاری برای تنظیم‌گری، شاهد یک تغییر پارادایم بوده است. همان‌طور که پیش‌تر هم اشاره شد برخلاف اسناد حقوقی سخت، حقوق نرم شامل موافقت‌نامه‌ها، اصول و دستورالعمل‌های غیرالزام‌آوری است که به‌رغم عدم ضمانت اجرای قانونی، نقشی محوری در شکل‌دهی رفتار دولت‌ها و بازیگران غیردولتی ایفا می‌کنند. انعطاف‌پذیری و سازگاری ذاتی حقوق نرم آن را به‌ویژه برای چشم‌انداز اقتصادی سریع و همیشه در حال تکامل تبدیل به ابزاری مناسب می‌کند [۲۱] [۲۲].

امروزه اهمیت فعالان و مجامع غیردولتی در اقتصاد بسیار است. شرکت‌های چندملیتی، سازمان‌های غیردولتی و حتی کارآفرینان فردی به بازیگران کلیدی بازار جهانی تبدیل شده‌اند. این بازیگران اغلب نوآوری‌ها را به سمت‌وسویی خاص هدایت می‌کنند، بر سیاست‌های تجاری تأثیر می‌گذارند و آنها هستند که به پیشران‌های توسعه اقتصادی تبدیل شده‌اند. مجامع اقتصادی مانند گروه ۲۰^۱ و مجمع جهانی اقتصاد^۲ به‌عنوان بسترهایی برای این بازیگران به‌منظور مشارکت در گفت‌وگو، به اشتراک گذاشتن بهترین رویه‌ها و ایجاد مشارکت‌هایی که فراتر از مرزهای ملی است، عمل می‌کنند.

نمونه‌هایی از اسناد حقوقی نرم در حکمرانی جهانی در حوزه اقتصاد عبارتند از:

– **استانداردهای G20/FSB:** پس از بحران مالی جهانی، گروه ۲۰ و هیئت ثبات مالی^۳ استانداردهایی را ایجاد کردند که محیط نظارتی مالی بین‌المللی را تعریف کرده و بر نیاز به ثبات و شفافیت در بازارهای مالی تأکید دارند.^۴

– **دستورالعمل‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی CSR:** شرکت‌های چندملیتی به دستورالعمل‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی پایبند هستند که شیوه‌های تجاری اخلاقی، حفاظت و حمایت از محیط زیست و مسئولیت اجتماعی را دیکته می‌کنند.^۵

– **قواعد عرفی بازرگانی:**^۶ این مجموعه قوانین و اصول تجاری که در میان تجار توسعه یافته است، معاملات تجاری بین‌المللی را تنظیم و هدایت می‌کند [۲۳].

– **دستورالعمل‌های سازمان همکاری اقتصادی و توسعه OECD^۸ برای شرکت‌های چندملیتی:** این دستورالعمل‌ها اصول و استانداردهای غیرالزام‌آور را برای رفتار تجاری مسئولانه در یک زمینه جهانی ارائه می‌کنند.^۹

مواردی که ذکر شد مصادیقی هستند که در آن حقوق نرم، حکمرانی جهانی در حوزه اقتصاد را تسهیل و راهبری می‌کند.

۲-۴-۳. تأثیر حقوق نرم در حوزه پولی-مالی

امروزه می‌توان گفت که در شبکه پیچیده حاکمیت پولی-مالی جهانی، اسناد حقوقی نرم به‌عنوان یک نیروی مهم ظاهر شده است که رفتار دولت‌ها و فعالان بازار را به‌طور یکسان شکل می‌دهد. چشم‌انداز حکمرانی پولی-مالی دیگر در انحصار دولت‌ها و

1. G20

2. World Economic Forum

3. Financial Stability Board (FSB)

۴. اسناد متعددی توسط این هیئت ارائه شده است که خاصیت حقوقی نرم دارند و از آنها برای ترسیم راه آینده استفاده می‌شود. برای مثال می‌توان به نقشه راه گروه ۲۰ برای تقویت پرداخت‌های فرامرزی اشاره کرد که لینک آن ارائه می‌شود:

<https://www.fsb.org/wp-content/uploads/P091023-2.pdf>

5. Corporate Social Responsibility (CSR)

۶. یکی از مترقی‌ترین دستورالعمل‌هایی که در رابطه با مسئولیت اجتماعی شرکتی تدوین شده است، متعلق به اتحادیه اروپاست که لینک آن ارائه می‌شود:

[https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2020/658541/IPOL_STU\(2020\)658541_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2020/658541/IPOL_STU(2020)658541_EN.pdf)

7. Lex Mercatoria

8. Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)

۹. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه دستورالعمل‌های متعددی را با ماهیت حقوقی نرم در رابطه با موضوعات اقتصادی تدوین کرده است که برای مثال می‌توان به دستورالعمل این سازمان برای شرکت‌های چندملیتی در رابطه با رفتار تجاری مسئولانه اشاره کرد که لینک آن ارائه می‌شود:

<https://www.oecd-ilibrary.org/deliver/81f92357-en.pdf?itemId=%2Fcontent%2Fpublication%2F81f92357-en&mime-Type=pdf>



سازمان‌های سنتی بین‌الدولی نیست. بازیگران غیردولتی، از جمله شرکت‌های چندملیتی، کنسرسیوم‌های بانکی، و نهادهای تنظیم استاندارد بین‌المللی، نفوذ قابل توجهی دارند. مجامعی مانند کمیته بازل در مورد نظارت بانکی^۱ و سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار^۲ بستری را برای این بازیگران فراهم می‌کنند تا با یکدیگر همکاری کنند، دستورالعمل‌ها را توسعه دهند، و مقررات را در سرتاسر دنیا هماهنگ نمایند.

نمونه‌هایی از اسناد حقوقی نرم در حکمرانی جهانی در حوزه پولی-مالی عبارتند از:

■ **توافق‌نامه بازل:**^۳ این توافق‌نامه دربرگیرنده چارچوب‌هایی است که حداقل سرمایه مورد نیاز و شیوه‌های مدیریت ریسک را برای بانک‌های سراسر جهان توصیه می‌کنند.^۴

■ **اهداف و اصول مقررات اوراق بهادار:**^۵ این اصول استانداردهای اساسی را برای تنظیم اوراق بهادار، عملیات بازار، و اجرای آن تعیین می‌کند.^۶

مواردی که ذکر شد مصادیقی هستند که در آن حقوق نرم، حکمرانی جهانی در حوزه پولی-مالی را تسهیل و راهبری می‌کند.

۳-۴-۳. تأثیر حقوق نرم در حوزه محیط زیست

امروزه بخش عمده‌ای از حکمرانی جهانی در حوزه محیط زیست به وسیله ابزارهای حقوقی نرم هدایت و راهبری می‌شوند. بازیگران غیردولتی، از جمله سازمان‌های غیردولتی، کسب‌وکارها و گروه‌های جامعه مدنی، نقشی محوری در حکمرانی جهانی در حوزه محیط زیست ایفا می‌کنند. مجامع زیست‌محیطی، به‌ویژه کنفرانس اعضای^۷ (COPS) کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییرات اقلیمی^۸، به‌عنوان مجامعی حیاتی برای این بازیگران به‌منظور تشکیل جلسه، مشورت و تأثیرگذاری بر سیاست‌ها عمل می‌کنند [۲۴] [۲۵].

نمونه‌هایی از اسناد حقوقی نرم در حکمرانی جهانی در حوزه محیط زیست عبارتند از:

■ **موافقت‌نامه پاریس:**^۹ موافقت‌نامه پاریس یک چارچوب جهانی برای جلوگیری از تغییرات اقلیمی با محدود کردن گرمایش زمین به زیر ۲ درجه سانتی‌گراد فراهم می‌آورد.^{۱۰}

■ **چارچوب سندای برای کاهش خطر بلایای طبیعی:**^{۱۱} این چارچوب اقدامات داوطلبانه را به‌منظور کاهش خطر بلایای طبیعی و افزایش انعطاف‌پذیری ترسیم کرده و ارتباط میان مدیریت ریسک بلایا و توسعه پایدار را بیان می‌کند.^{۱۲}

■ **سیستم‌های صدور گواهی‌نامه جنگل پایدار:**^{۱۳} این سیستم‌ها دستورالعمل‌هایی را برای مدیریت پایدار جنگل‌ها ارائه می‌دهند و تضمین می‌کنند که شیوه‌های جنگل‌داری از نظر زیست‌محیطی و اجتماعی سودمند و از نظر اقتصادی مقرون‌به‌صرفه هستند.^{۱۴}

1. Basel Committee on Banking Supervision
2. International Organization of Securities Commissions
3. Basel Accord
4. کمیته بازل در مورد نظارت بانکی در رابطه با مسائل مرتبط با بانک‌ها دستورالعمل‌هایی را تدوین کرده که برای مثال می‌توان به سند ذیل اشاره کرد که مطالبی را درخصوص حداقل سرمایه مورد نیاز و شیوه‌های مدیریت ریسک ارائه نموده است:
5. IOSCO Objectives and Principles of Securities Regulation
6. سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار این سند را تدوین کرده است:
7. Conference of Parties (COPs)
8. United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC)
9. The Paris Agreement

۶. سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار این سند را تدوین کرده است:

<https://www.bis.org/publ/bcbsca02.pdf>

<https://www.iosco.org/library/pubdocs/pdf/ioscopd154.pdf>

۱۰. مطالب مربوط به موافقت‌نامه پاریس را می‌توانید در این لینک مشاهده کنید:

11. The Sendai Framework for Disaster Risk Reduction

۱۲. این سند را می‌توانید در این لینک مشاهده کنید:

https://unfccc.int/sites/default/files/resource/UNDRR%20Presentation_Sendai%20Framework-GGA6%20%281%29.pdf

13. Sustainable Forest Certification Systems

۱۴. برای اطلاع بیشتر در این رابطه با این لینک رجوع کنید:

https://www.atibt.org/files/upload/events/ATIBT_PBN_Session_3_Overview_forestry_certification_ENG_Final.pdf

مواردی که ذکر شد مصادیقی هستند که در آن حقوق نرم، حکمرانی جهانی در حوزه محیط زیست را تسهیل و راهبری می‌کند.

۴-۳. تأثیر حقوق نرم در حوزه حقوق بشر

حوزه حقوق بشر به طرز فزاینده‌ای از اسناد حقوقی نرم به‌عنوان ابزاری برای پر کردن شکاف‌ها و گسترش دامنه حکمرانی جهانی استقبال کرده است. این حقوق نرم است که با ماهیت غیرالزام‌آور و درعین‌حال تأثیرگذار خود، به‌عنوان ابزاری حیاتی در مواردی که یک معاهده لازم‌الاجرا وجود نداشته باشد یا کافی نباشد، راهبری می‌کند. همچون سایر حوزه‌ها در حوزه حقوق بشر هم بازیگران غیردولتی، از جمله سازمان‌های غیردولتی (NGOs)، گروه‌های مدافع و نهادهای بخش خصوصی، نقشی حیاتی در حوزه حقوق بشر ایفا می‌کنند.

نمونه‌هایی از اسناد حقوقی نرم در حکمرانی جهانی در حوزه حقوق بشر عبارتند از:

- **اعلامیه جهانی حقوق بشر:**^۱ درحالی‌که اعلامیه جهانی حقوق بشر یک معاهده از جنس حقوق سخت نیست، به یک مرجع اساسی برای حقوق بشر در سطح جهانی تبدیل شده است.^۲
 - **اصول راهنما در مورد تجارت و حقوق بشر:**^۳ این اصول چگونگی اجرای چارچوب «محافظت، احترام و جبران خسارت»^۴ سازمان ملل را برای رسیدگی به خطر تأثیرات نامطلوب حقوق بشر مرتبط با فعالیت‌های تجاری، بیان می‌کند.^۵
 - **اعلامیه حقوق مردمان بومی:**^۶ این اعلامیه حقوق فردی و جمعی مردم بومی و همچنین حقوق آنها را در قبال فرهنگ، هویت، زبان، اشتغال، بهداشت، آموزش و سایر موضوعات بیان می‌کند.^۷
- مواردی که ذکر شد مصادیقی هستند که در آن حقوق نرم، حکمرانی جهانی در حوزه حقوق بشر را تسهیل و راهبری می‌کند.

۵-۴-۳. تأثیر حقوق نرم در حوزه فناوری

تکامل سریع فناوری، چالش‌ها و فرصت‌های منحصربه‌فردی را برای حکمرانی جهانی ایجاد می‌کند و با توجه به سرعت بالای تحولات در حوزه فناوری، اسناد حقوقی نرم با ماهیت غیرالزام‌آورشان به ابزاری مؤثر برای مدیریت پیچیدگی‌های پیشرفت‌های فناوری تبدیل شده است [۲۶].

بازیگران غیردولتی، از جمله شرکت‌های چندملیتی، مؤسسات دانشگاهی و جامعه مدنی، نقش مهمی در حکمرانی جهانی در حوزه فناوری دارند. مجامعی مانند مجمع جهانی اقتصاد، مجمع حکمرانی اینترنت^۸ و هیئت‌های مختلف اخلاق هوش مصنوعی که شرکت‌هایی مانند گوگل و مایکروسافت به‌طور فعال در آن شرکت می‌کنند، در شکل‌دهی گفتمان و سیاست‌های مرتبط با حکمرانی فناوری مؤثر هستند.

نمونه‌هایی از اسناد حقوقی نرم در حکمرانی جهانی در حوزه فناوری عبارتند از:

- **هوش مصنوعی:** قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد هوش مصنوعی^۹ و اصول سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)^{۱۰} در مورد هوش مصنوعی چارچوب‌هایی را برای توسعه و استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی ارائه می‌دهد.

1. Universal Declaration of Human Rights (UDHR)

2. این اعلامیه را در این لینک مشاهده کنید:

https://www.ohchr.org/en/UDHR/Documents/UDHR_Translations/eng.pdf

3. Guiding Principles on Business and Human Rights

4. Protect, Respect and Remedy 5. این اصول را در این لینک مشاهده کنید:

<https://www.undp.org/sites/g/files/zskgke326/files/migration/in/UNGP-Brochure.pdf>

5. این اصول را در این لینک مشاهده کنید:

<https://www.undp.org/sites/g/files/zskgke326/files/migration/in/UNGP-Brochure.pdf>

6. Declaration on the Rights of Indigenous Peoples

7. این اعلامیه را در این لینک مشاهده کنید:

https://www.un.org/development/desa/indigenouspeoples/wp-content/uploads/sites/19/2019/01/UNDRIP_E_web.pdf

8. Internet Governance Forum

9. یکی از این قطعنامه‌ها با عنوان «استفاده از فرصت‌های سیستم‌های هوش مصنوعی ایمن، مطمئن و قابل اعتماد برای توسعه پایدار» نام دارد که در این لینک قابل مشاهده است:

<https://documents.un.org/api/symbol/access?j=N2406592&t=pdf>

10. این اصول را در این لینک مشاهده کنید:

<https://mneguidelines.oecd.org/RBC-and-artificial-intelligence.pdf>



- **امنیت سایبری:** دستورالعمل تالین راهنمایی‌هایی را در مورد کاربرد قواعد بین‌المللی در فضای سایبری ارائه می‌دهد که به رفتارهای بازیگران دولتی و غیردولتی در عملیات‌های سایبری جهت داده و آنها را تنظیم می‌کند.^۱
 - **بیوتکنولوژی:** اعلامیه‌های یونسکو^۲ و دستورالعمل‌های حرفه‌ای برای محققان سلول‌های بنیادی، استانداردهای اخلاقی و بهترین شیوه‌ها را برای تحقیقات بیوتکنولوژی ایجاد می‌کند.
 - **حفاظت از داده‌ها:** مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها^۳ به‌عنوان مدلی برای قوانین حفظ حریم خصوصی داده‌ها در سطح جهانی عمل می‌کند و بر سیاست‌ها حتی فراتر از اتحادیه اروپا تأثیر می‌گذارد [۲۷].
- مواردی که ذکر شد مصادیقی هستند که در آن حقوق نرم، حکمرانی جهانی در حوزه فناوری را تسهیل و راهبری می‌کند. همه مواردی که بیان شد؛ کاربردهای متنوع حقوق نرم را در حکمرانی جهانی نشان می‌دهد. مشاهده شد که حقوق نرم چگونه می‌تواند حقوق سخت را تکمیل کند، شکاف‌های مرتبط با امر نظارت را پر نماید و همکاری‌های بین‌المللی در مورد مسائل پیچیده را تقویت کند. درحالی‌که چالش‌هایی مانند چندپارگی و نبود ضمانت اجرای حقوقی درخصوص این قواعد و مقررات همچنان ادامه دارد، اما نمی‌توان ظرفیت حقوق نرم را برای تأثیرگذاری بر رفتار دولت و کمک به توسعه مدل‌های حکمرانی پایدارتر و فراگیر نادیده گرفت.

۱. کتاب دستورالعمل تالین را در این لینک مشاهده کنید:

<https://www.onlinelibrary.ihl.org/wp-content/uploads/2021/05/2017-Tallinn-Manual-2.0.pdf>

۲. این اعلامیه را در این لینک مشاهده کنید:

<https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000179844.locale=en>.

3. The General Data Protection Regulation (GDPR)

<https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/PDF/?uri=CELEX:32016R0679>.

شکل ۲. تأثیر حقوق نرم بر حکمرانی جهانی در حوزه‌های مختلف



مأخذ: بر اساس یافته‌های تحقیق



۵-۳. چالش‌های حقوق نرم در حکمرانی جهانی

در حالی که حقوق نرم نقش بسیار مهمی را در حکمرانی جهانی ایفا می‌کند، اما بدون چالش نیست. این چالش‌ها می‌توانند اثربخشی حقوق نرم را تضعیف کنند و سؤالاتی را در مورد نقش آن در نظام حقوقی بین‌المللی به وجود آورند که برخی از این چالش‌ها در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۵-۳. ضمانت اجرا

یکی از چالش‌های اصلی حقوق نرم، ضمانت اجرای آن است [۲۸]. بدون نیروی الزام‌آور حقوقی سخت، سازگاری با قواعد و مقررات نرم به شدت به حسن نیت و تعهد سیاسی دولت‌ها بستگی دارد. این امر می‌تواند منجر به عدم پاسخ‌گویی دولت‌ها شود؛ چراکه هیچ‌گونه سازوکار رسمی برای اطمینان از پایبندی به اسناد حقوقی نرم وجود ندارد.

برای توضیح بیشتر باید گفت که اسناد حقوقی نرم معمولاً فاقد سازوکارهای اجرایی رسمی هستند. بنابراین، اثربخشی حقوق نرم به همکاری داوطلبانه و اراده سیاسی طرف‌های درگیر بستگی دارد. بدون ضمانت اجرا، حقوق نرم برای تضمین سازگاری با قوانین و مقررات، بر اقناع سیاسی و اخلاقی متکی است. دولت‌ها و سایر بازیگران ممکن است به دلیل نگرانی‌های مربوط به وجهه و اعتبار خود، فشار افکار عمومی یا احساس تعهد اخلاقی به هنجارهای حقوقی نرم پایبند باشند. با این حال باید اشاره کرد که این انگیزه‌ها می‌توانند به‌طور گسترده‌ای در میان بازیگران متفاوت باشند و منجر به اجرای نامنسجم قواعد حقوقی نرم شوند.

اجرای صحیح قواعد و مقررات نرم اغلب به همسویی انگیزه‌ها و اهداف ذی‌نفعان بستگی دارد. اگر منافع طرفین با اهداف اسناد حقوقی نرم مطابقت داشته باشد، احتمال سازگاری با آنها بیشتر است. برعکس، اگر قواعد و مقررات نرم با منافع یا اولویت‌های ملی در تضاد باشد، دولت‌ها ممکن است آنها را نادیده بگیرند.

همچنین باید گفت که سازوکارهای نظارت و گزارش‌دهی می‌توانند با ارائه شفافیت و پاسخ‌گویی، اجرای قواعد و مقررات نرم را افزایش دهند. اگرچه این سازوکارها به معنای سنتی دارای ضمانت اجرا نیستند، اما می‌توانند فرهنگ سازگاری را از طریق بررسی‌های منظم و دوره‌ای و گزارش‌های عمومی ایجاد کنند.

در این میان سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند با تسهیل گفت‌وگو، ارائه کمک‌های فنی و فراهم کردن بستری برای به اشتراک گذاشتن بهترین شیوه‌ها، نقش مهمی در اجرای قواعد و مقررات نرم ایفا کنند. مشارکت آنها می‌تواند به اسناد حقوقی نرم اعتبار بخشد و دولت‌ها را تشویق به تبعیت از آنها کند.

به‌عنوان نکته پایانی در این بخش باید اشاره کرد که ظهور اسناد هیبریدی که دربرگیرنده حقوق نرم و سخت هستند، راه‌حلی است به‌منظور پاسخ‌گویی به چالش‌هایی که در این بخش به آن اشاره شد؛ همان‌طور که در موافقت‌نامه پاریس در مورد تغییرات اقلیمی این امر دیده می‌شود.

۲-۵-۳. چندپارگی حقوقی^۱

گسترش اسناد حقوقی نرم می‌تواند سبب ایجاد یک چندپارگی و از هم‌گسیختگی در میان قواعد و مقررات شود [۲۸]. با این توضیح که با دستورالعمل‌ها، اصول و کدهای رفتاری متعددی که توسط بازیگران مختلف تدوین شده است، خطر هم‌پوشانی، تناقض یا رقابت هنجاری وجود دارد. این چندپارگی می‌تواند تلاش‌ها برای دستیابی به یک حکمرانی منسجم را پیچیده کند. به عبارت دیگر، همان‌طور که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به‌طور فزاینده‌ای به ابزارهای حقوقی نرم برای رسیدگی به مسائل پیچیده جهانی روی می‌آورند، چشم‌انداز حقوقی بین‌المللی متنوع‌تر و غیرمتمرکزتر می‌شود.

حقوق نرم راهی را برای دولت‌ها فراهم می‌کند تا بدون ایجاد تعهدات حقوقی سخت، در شکل‌گیری قواعد و مقررات جهانی مشارکت کنند و این انعطاف‌پذیری را برای دولت‌ها جذاب می‌کند، چراکه در مقایسه با حقوق سخت هزینه‌های تصمیم‌گیری کمتری را به‌همراه دارد. با این حال، توسعه قواعد و مقررات به شیوه‌ای غیررسمی می‌تواند باعث تشدید چندپارگی حقوقی و تضعیف قوام حقوق بین‌الملل شود.

غلبه بر چالش چندپارگی حقوقی نیازمند یک رویکرد مشارکتی است. یعنی می‌توان با افزایش گفت‌وگوها، گسترش پایگاه‌های

1. Legal Fragmentation

اطلاعاتی و احترام به مقررات سایر دولت‌ها به‌عنوان راه‌هایی برای غلبه بر این چندپارگی گام برداشت [۲۸]. چنین همکاری‌هایی می‌تواند به هماهنگ‌سازی اسناد حقوقی نرم کمک کنند.

همچنین همان‌طور که در چالش قبلی نیز مورد بحث قرار گرفت، ظهور اسناد هیبریدی حقوق نرم و سخت، پاسخی به این چندپارگی است. معاهداتی مانند موافقت‌نامه پاریس در مورد تغییرات اقلیمی نشان می‌دهد که چگونه حقوق نرم می‌تواند در طول زمان به تعهدات الزام‌آور تبدیل شود و به‌طور بالقوه با ایجاد یک چارچوب حقوقی یکپارچه‌تر، پراکندگی را کاهش دهد.

۳-۵-۳. مشروعیت

حقوق نرم اغلب به‌دلیل «کاستی‌های دمکراتیک» مورد انتقاد قرار می‌گیرد. مفهوم «کاستی دمکراتیک» در حکمرانی جهانی به فقدان مشروعیت و پاسخ‌گویی دمکراتیک در فرایندهایی که حقوق نرم را ایجاد می‌کنند، اشاره دارد [۲۹].

یکی از انتقادات اصلی به حقوق نرم، فقدان نمایندگی مستقیم در ایجاد آن است. برخلاف حقوق سخت، که اغلب محصول فرایندهای دمکراتیک درون دولت‌هاست؛ حقوق نرم ممکن است توسط گروه محدودی از ذی‌نفعان، کارشناسان یا بوروکرات‌های بین‌المللی تدوین شود. این امر می‌تواند منجر به وضعیتی شود که در آن کسانی که تحت تأثیر حقوق نرم قرار می‌گیرند، سهم کمی در فرمول‌بندی و ایجاد آن داشته باشند و نگرانی‌هایی در مورد مشروعیت دمکراتیک آن ایجاد کند.

همچنین باید اشاره کرد که فرایندهای منجر به ایجاد حقوق نرم گاهی به‌دلیل عدم شفافیت و فراگیری مورد انتقاد قرار می‌گیرند. مذاکرات و بحث‌هایی که منجر به تهیه اسناد حقوقی نرم می‌شود، می‌تواند مبهم باشد و ابهام و عدم شفافیت می‌تواند منجر به قطع ارتباط میان پدیدآورندگان قواعد و مقررات نرم و کسانی شود که بر آن تأثیر می‌گذارد.

حقوق نرم همچنین بیشتر از آنچه که تحت رویه‌های رسمی انعقاد معاهدات باشد، می‌تواند مستعد شکل‌گیری منافع قدرت‌های بزرگ باشد. این امر می‌تواند توسعه حقوق نرم را به سمت منافع چند دولت یا سازمان با نفوذ منحرف کند، نه اینکه منعکس‌کننده یک اجماع واقعاً جهانی باشد.

برای غلبه بر این چالش، اقدامات متعددی را می‌توان انجام داد. گام اول افزایش مشارکت است [۲۹]. گسترش مشارکت ذی‌نفعان مختلف، از جمله جامعه مدنی، دانشگاه و بخش خصوصی از میان همه دولت‌ها و به شکل برابر و عادلانه، می‌تواند به اطمینان از در نظر گرفتن طیف متنوعی از دیدگاه‌ها کمک کند. گام دوم افزایش شفافیت است، با این توضیح که شفاف‌تر کردن فرایندهای ایجاد حقوق نرم می‌تواند اعتمادسازی کرده و مشارکت عمومی بیشتری را امکان‌پذیر کند. درنهایت هم باید گفت که ایجاد سازوکارهایی برای نظارت و بازنگری اسناد حقوقی نرم می‌تواند تهیه‌کنندگان را مسئول نگه دارد و اطمینان حاصل کند که این اسناد حقوقی در خدمت منافع عمومی هستند.

۳-۵-۴. سیاست واقعی (Realpolitik) و منافع دولت‌ها

در حوزه روابط بین‌الملل، استفاده از حقوق نرم گاهی می‌تواند بازتابی از سیاست واقعی باشد، جایی که دولت‌ها منافع ملی خود را بر اهداف جمعی ترجیح می‌دهند [۲۸]. این امر می‌تواند منجر به اسناد حقوقی نرمی شود که ضعیف یا ناکارآمد هستند، چراکه دولت‌ها ممکن است با هنجارهای غیرالزام‌آوری موافقت کنند که به حداقل تغییرات در رفتارشان نیاز دارد یا قصد اجرای آن را ندارند. Realpolitik، اصطلاحی است که به سیاست یا دیپلماسی اشاره دارد که براساس ملاحظات شرایط و عوامل معین، به‌جای مفاهیم صریح ایدئولوژیک یا مقدمات اخلاقی صورت می‌گیرد و نقش مهمی در توسعه و اثربخشی حقوق نرم دارد [۳۰].

قدرت‌های بزرگ اغلب از حقوق نرم به‌عنوان ابزاری برای گسترش نفوذ خود بدون توسل به سختی حقوق سخت استفاده می‌کنند. به‌عبارت دیگر حقوق نرم به آنها اجازه می‌دهد هنجارها و استانداردهایی را ایجاد کنند که منعکس‌کننده منافع آنها باشد و این کار را به‌گونه‌ای انجام دهند که احتمال ایجاد مقاومت یا درگیری کمتر باشد. این امر می‌تواند به وضعیتی منجر شود که اسناد حقوقی نرم به‌صورت نامتناسبی منعکس‌کننده منافع قدرتمندترین دولت‌ها باشد.

ماهیت غیرالزام‌آور حقوق نرم به دولت‌ها این امکان را می‌دهد که تعهداتی مبهم یا غیراختصاصی داشته باشند. این ابهام می‌تواند برای دولت‌هایی که به دنبال حفظ روابط دیپلماتیک هستند و درعین حال به دنبال اجتناب از تعهدات محکمی که ممکن است اقدامات آتی آنها را محدود کند، سودمند باشد.

روندهای اخیر در حکمرانی جهانی نشان‌دهنده بازگشت سیاست واقعی است؛ جایی که دولت‌ها به‌طور فزاینده‌ای در تعقیب منافع ملی خود قاطعانه عمل می‌کنند. این تغییر می‌تواند بر اجرای قواعد و مقررات حقوقی نرم تأثیر بگذارد، چراکه دولت‌ها ممکن است تمایل کمتری به پایبندی به هنجارهای بین‌المللی که با اهداف استراتژیک فوری آنها همخوانی ندارد، داشته باشند.

۵-۳-۵. سوءاستفاده از حقوق نرم به‌عنوان یک حجاب

این چالش وجود دارد که حقوق نرم می‌تواند به‌عنوان حجابی برای دولت‌ها عمل کند که به برخی ارزش‌ها یا اهداف متعهد به‌نظر برسند، بدون اینکه اقدام مشخصی انجام دهند. به‌عبارت دیگر، ماهیت غیرالزام‌آور حقوق نرم، خطر بالقوه استفاده از آن توسط دولت‌ها یا سازمان‌ها به‌عنوان یک حجاب را در خود دارد و به آنها اجازه می‌دهد تا تعهدی نسبت به استانداردها یا ارزش‌های خاص بدون قصد برای اجرای واقعی آن داشته باشند [۳۱].

حقوق نرم می‌تواند توهم پیشرفت ایجاد کند که در آن دولت‌ها یا نهادها به‌نظر می‌رسد در مورد موضوعات مهم بدون ایجاد تغییرات اساسی اقدام می‌کنند. این امر می‌تواند به‌ویژه در موضوعاتی که نیاز به اقدام فوری دارند، مانند حفاظت از محیط زیست یا حقوق بشر مشکل‌ساز شود.

ازسوی دیگر دولت‌ها ممکن است از حقوق نرم برای مانور سیاسی استفاده کنند، به این معنا که اعلامیه‌هایی را صادر یا دستورالعمل‌هایی را اتخاذ کنند که بیشتر به‌عنوان ابزار دیپلماتیک عمل می‌کنند تا تلاش واقعی برای رسیدگی به موضوع اصلی. این امر می‌تواند منجر به قطع ارتباط میان اهداف اعلام شده اسناد حقوقی نرم و اقدامات دولت‌ها شود.

برای کاهش خطر سوءاستفاده از حقوق نرم به‌عنوان یک حجاب، اقدامات متعددی را می‌توان اجرا کرد. در وهله نخست باید به ایجاد اهداف و معیارهای شفاف و واضح در اسناد حقوقی نرم مبادرت ورزید [۳۱]. این امر می‌تواند به اندازه‌گیری پیشرفت و اطمینان از پاسخ‌گویی یاری رساند. پس از آن باید فرایندهای نظارت را تقویت کرد. فرایندهای نظارت و بازنگری منظم می‌تواند دولت‌ها را به سوی انجام تعهدات خود هدایت کند. درانتها هم مشارکت عمومی و جامعه مدنی در توسعه و نظارت بر قواعد و مقررات نرم می‌تواند شفافیت را افزایش دهد و خطر استفاده از اسناد حقوقی نرم صرفاً برای اهداف سیاسی را کاهش دهد.

شکل ۳. چالش‌های حقوق نرم در حکمرانی جهانی



۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این نوشتار، ماهیت چندوجهی حقوق نرم و کارکرد آن در حکمرانی جهانی در حوزه‌های مختلف بررسی و تحلیل گردید و بیان شد که حقوق نرم به‌عنوان پلی میان تعهدات حقوقی سخت و نیازهای انعطاف‌پذیر همکاری بین‌المللی عمل می‌کند. حقوق نرم اگرچه بدون چالش نیست، اما چارچوبی پویا و سازگار برای پرداختن به مسائل پیچیده جهانی از جمله در حوزه اقتصاد، حوزه پولی-مالی، حوزه محیط زیست، حوزه حقوق بشر و حوزه فناوری با دربرگرفتن طیف متنوعی از بازیگران جامعه جهانی را ارائه می‌کند. به‌علاوه، حقوق نرم می‌تواند به‌عنوان پیش‌درآمد و مقدمه‌ای برای شکل‌گیری حقوق سخت عمل کرده و زمینه را برای توسعه تدریجی موافقت‌نامه‌های الزام‌آور بین‌المللی فراهم کند.

چالش‌های حقوق نرم، به‌ویژه از نظر ضمانت اجرا، چندپارگی حقوقی و کاستی دموکراتیک، قابل توجه است. با این حال، آنها غیرقابل حل نیستند. با نگاهی به آینده، قواعد و مقررات نرم به احتمال زیاد نقش مهمی را در حکمرانی جهانی ایفا خواهد کرد، به خصوص که جهان با تغییرات سریع فناوری و نگرانی‌های زیست‌محیطی دست‌وپنجه نرم می‌کند و این پیچیدگی فزاینده چالش‌های جهانی، فرایندهای سنتی قانونگذاری سخت را دشوار و کند کرده است. در نتیجه، قواعد و مقررات حقوقی نرم به‌عنوان روشی مناسب‌تر برای تنظیم رفتارها و کنش‌های بین‌المللی از اهمیت بسیاری برخوردار است. امروزه سیاستگذاران سرتاسر دنیا به حقوق نرم روی آورده‌اند تا همکاری و فراگیری بیشتر را مهیا کنند و زمینه را برای امکان تبدیل این اصول به قواعد حقوقی سخت در طول زمان فراهم آورند.

یک روند قابل توجه ظهور اسناد حقوقی هیبریدی دربرگیرنده حقوق نرم و سخت است که برای مثال می‌توان به موافقت‌نامه پاریس در مورد تغییرات اقلیمی اشاره کرد که مقررات الزام‌آور و غیرالزام‌آور را برای تسهیل همکاری‌های بین‌المللی در مورد مسائل فوری جهانی در خود دارد. پیش‌بینی می‌شود که این مدل ترکیبی در آینده رواج بیشتری یابد.

موضوع قابل توجه دیگر این است که حقوق نرم امکان مشارکت بازیگران غیرسنتی و غیردولتی را در فرایند حکمرانی جهانی فراهم می‌کند. سازمان‌های غیردولتی، جنبش‌های اجتماعی، شرکت‌ها و افراد در مقایسه با معاهدات، که محدود به دولت‌های عضو است، راحت‌تر به مشارکت در شکل‌گیری اسناد حقوقی نرم کشیده می‌شوند. این فراگیری نویدبخش تنوع بیشتر در قوانین و حکمرانی جهانی است.

۴-۱. پیشنهاد‌های سیاستی

رویکرد جمهوری اسلامی ایران نسبت به موضوع حکمرانی جهانی و به‌صورت جزئی‌تر در حوزه اسناد حقوقی نرم به‌عنوان یکی از ابزارها و سازوکارهای حکمرانی جهانی پیچیده و چندوجهی است. به‌لحاظ تاریخی، ایران چالش‌های داخلی و خارجی مهمی را تجربه کرده و این امر سبب شکل‌گیری رویکردی خاص و منحصربه‌فرد نسبت به حکمرانی جهانی و اسناد حقوقی نرم شده است. در چارچوب حکمرانی جهانی، ایران به‌دلیل آنکه خود را اغلب در برابر هژمونی غرب قرار داده است، تعاملی محتاطانه، گزینشی و راهبردی، با هدف پیشبرد منافع ملی و حفظ اصول ایدئولوژیک خود، با اسناد حقوقی نرم داشته است. این امر همچنین ریشه در این موضوع دارد که جمهوری اسلامی ایران نهادها و سازوکارهای بین‌المللی حکمرانی جهانی را ابزار نفوذ غرب می‌داند و به همین جهت از نظم جهانی چندقطبی که در آن دولت‌های غیرغربی سهم بیشتری در امور جهانی دارند، دفاع می‌کند. با عطف نظر به همین موضوع است که رویکرد جمهوری اسلامی ایران به‌دلیل افزایش نفوذ خود در صحنه جهانی و نیز پرداختن به مسائل داخلی و منطقه‌ای باید فعالانه‌تر باشد. به این معنا که مواجهه جمهوری اسلامی ایران با این موضوع باید علاوه بر حالت «واکنشی»، حالت «کنشی» نیز داشته باشد.

در همین راستا موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

📌 **افزایش مشارکت در مجامع بین‌المللی:** تشویق به مشارکت فعال در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی که در آنها اسناد حقوقی نرم ایجاد شده و توسعه می‌یابد تا اطمینان حاصل شود که دیدگاه‌های دولت ارائه و از منافع ملی حفاظت می‌شود. به‌عنوان



مثال، حضور فعالانه جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس‌های اعضای کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در رابطه با تغییرات اقلیمی به‌عنوان مجمعی که در آن قواعد حقوقی نرم مرتبط با مسئله محیط زیست و تغییرات اقلیمی شکل می‌گیرد، ضروری است. این اتفاق باید در سایر مجامعی که قواعد حقوقی نرم در آنها ایجاد می‌شود نیز رخ دهد.

✓ **ظرفیت‌سازی:** سرمایه‌گذاری در ظرفیت‌سازی برای دیپلمات‌ها و کارشناسان حقوقی به‌منظور مشارکت مؤثر در شکل‌گیری اسناد حقوقی نرم در سطح بین‌المللی.

✓ **ایجاد اتحادهای استراتژیک:** اتحادهای استراتژیک با سایر دولت‌ها برای تأثیرگذاری بر توسعه و شکل‌گیری اسناد حقوقی نرم در زمینه‌های مورد علاقه متقابل مانند فناوری، محیط زیست و حقوق بشر.

✓ **ایجاد سازوکارهای نظارتی و تشکیل کمیته‌های مشورتی:** مجلس در راستای ایفای وظیفه نظارتی خود می‌تواند سازوکارهایی نظارتی را به‌منظور ردیابی توسعه و تأثیر حقوق نرم بر تعهدات بین‌المللی ایران ایجاد کند، با این توضیح که به‌موجب اصول (۷۷ و ۱۲۵) قانون اساسی تنها معاهدات بین‌المللی که دربردارنده تعهدات سخت هستند باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسند. این امر به این معناست که اسناد حقوقی نرم برای اجرایی شدن، نیازی به تصویب مجلس ندارند. مجلس با تعریف ضابطه‌مند و دقیق از اسناد حقوقی نرم و سایر موافقت‌نامه‌های غیرالزام‌آور، در وهله اول می‌تواند دستگاه‌های اجرایی را که مبادرت به پذیرش این اسناد می‌کنند را مکلف کند که این موضوع را به اطلاع مجلس برسانند. در وهله بعدی نیز لازم است مجلس برای تحلیل اسناد حقوقی نرم و پیشنهاد چگونگی هماهنگی آنها با نظام حقوقی ایران کمیته‌های مشورتی تشکیل داده و از مرکز پژوهش‌های مجلس نظر کارشناسی دریافت کند.



- [۱] شاهرخ شاکریان، شناخت حقوق نرم در نظام حقوق بین‌الملل، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲.
- [۲] محسن عبدالهی، اصلی عباسی، «پدیده‌شناسی تکوین حقوق نرم در چارچوب نظام هنجاری حقوق بین‌الملل»، تحقیقات حقوقی، دوره ۲۱، شماره ۸۲، ۱۳۹۷، صص ۱۳۰-۱۰۷.
- [۳] عبدالعلی قوام، سیامک بهرامی، «حکمرانی جهانی از نظریه تا عمل: حکمرانی نوین جهانی، دولت و نهادهای نوین حکمرانی در خاورمیانه»، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۹۹.
- [۴] مارتین گریفیتس، دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، تهران: نشر نی، ۱۳۸۸.
- [۵] سجاد حیدری فرد، «تحول مفهوم حکمرانی جهانی در روابط بین‌الملل»، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳۲، ۱۳۹۶، صص ۱۷۶-۱۴۷.
- [6] Commission on Global Governance. Our Global Neighborhood: The Report of the Commission on Global Governance. Oxford: Oxford University Press; 1995.
- [۷] حجت صالحی، «سازگاری مفهوم حکمرانی جهانی با بحران خاورمیانه»، پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل، دوره ۵، شماره ۴۱، ۱۳۸۸، صص ۱۴۲-۸۷.
- [8] Jean d' Aspremont, "Softness in International Law: a Self-Serving for New Legal Materials", The European Journal of International Law, vol. 9, pp. 1075-1093, 2008.
- [۹] عبدالحسین شیروی، محمدحسن و کیلی مقدم، «حقوق نرم»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۱، ۱۳۹۴، صص ۲۷۶-۲۵۱.
- [۱۰] توکل حبیب‌زاده، محمدصالح عطار، «ارزیابی مفهومی «حقوق نرم» در نظام منابع حقوق بین‌الملل»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۲، ۱۳۹۱، صص ۲۲-۱.
- [11] Kenneth W. Abbott, Duncan Snidal, "Hard and Soft Law in International Governance", International Organization, vol. 54, no. 3, pp. 421-456, 2000.
- [12] Pierre-Marie Dupuy, "Soft Law and the International Law of the Environment", Michigan Journal of International Law, vol. 12, no. 2, pp. 420-435, 1991.
- [13] Prosper Weil, "Towards Relative Normativity in International Law", American Journal of International Law, vol. 77, no. 3, pp. 413-442, 1983.
- [۱۴] زهرا محمودی کردی، «حقوق نرم در پرتو تصمیمات نهادهای قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی»، پژوهش‌نامه حقوق تطبیقی، دوره ۲، شماره ۱، ۱۳۹۵، صص ۵۰-۲۶.
- [۱۵] مهدی هداوند، آرمان سیفاللهی، «جایگاه حقوق نرم در توسعه حقوق بین‌الملل»، راهبرد، دوره ۱۸، شماره ۵۰، ۱۳۸۸، صص ۱۴۷-۱۳۱.
- [16] Dina Shelton, "Compliance with International Human Rights Soft Law", Studies in Transnational Legal Policy, no. 29, p. 119 et seq, 1997.
- [۱۷] سیدموسی موسوی، جواد حبیبی‌تبار، محمود حکمت‌نیا، محسن فتاحی، «واکاوی مفهوم «حقوق نرم» و جریان آن در نظام حقوقی خانواده از نگاه دینی»، مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده، دوره ۴، شماره ۷، ۱۴۰۰، صص ۲۷-۷.
- [18] Martha Finnemore, Stephen J. Toope, "Alternative to Legalization: Richer Views of Law and Politics", International Organization, vol. 55, no. 3, pp. 743-58, 2001.
- [19] Graf-Peter Calliess, Moritz Renner, "From Soft Law to Hard Code: The Juridification of Global Governance", Ratio Juris, vol. 22, 2009.
- [20] Gregory Shaffer, Mark A. Pollack, "Hard vs. Soft Law: Alternatives, Complements and Antagonists in International Governance", Minnesota Law Review, vol. 94, pp. 706-799, 2009.
- [21] Michael Hahn, "Interesting Times: Soft Law in International Economic Governance", in Asian Yearbook of International Economic Law, Springer, 2022.
- [22] Miroslava Filipovic, Sonja Buncic, "Global Economic Governance: A New Regime through Soft Law", Uluslararası İlişkiler, vol. 11, no. 44, pp. 101-120, 2015.

- [۲۳] عبدالحسین شیروی، حقوق تجارت بین‌الملل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۴۰۰.
- [24] Maximilian S. T. Wanner, "The Effectiveness of Soft Law in International Environmental Regimes: Participation and Compliance in the Hyogo Framework for Action", *Int Environ Agreements*, vol. 21, pp. 113-132, 2021.
- [25] Cary Coglianese, "Environmental Soft Law as a Governance Strategy", *Jurimetrics*, vol. 61, 2020.
- [26] FU Shuju, XING Aifen, "International Soft Law Governance of Artificial Intelligence: Advantages, Approaches, and Credibility", *Journal of Business Theory and Practice*, vol. 11, p. 35, 2023.
- [27] Luciano Floridi, "Soft Ethics: Its Application to the General Data Protection Regulation and Its Dual Advantage", *Philosophy and Technology*, vol. 31, pp. 1-5, 2018.
- [28] Kumaravadivel Guruparan, Jennifer Zerk, "Influence of soft law grows in international governance", Chatham House, 25 August 2021. [Online]. Available: <https://www.chathamhouse.org/2021/06/influence-soft-law-grows-international-governance>. [Accessed 1 June 2024].
- [29] Corinne Cicéron Bühler, "Soft Law: How to Improve Its Democratic Legitimacy While Ensuring Effective Governmental Action in Foreign Affairs", *Opinio Juris*, 2 September 2021. [Online]. Available: <https://opiniojuris.org/2021/09/02/soft-law-how-to-improve-its-democratic-legitimacy-while-ensuring-effective-governmental-action-in-foreign-affairs/>. [Accessed 6 June 2024].
- [30] Mohammed Saaida, "Realpolitik: The Pragmatic Approach to Politics", 2023.
- [31] Danai Petropoulou Ionescu, Mariolina Eliantonio, "Soft Law Behind the Scenes: Transparency, Participation and the European Union's Soft Law Making Process in the Field of Climate Change", *European Journal of Risk Regulation*, vol. 14, no. 2, pp. 292-312, 2023.

گزیده سیاستی

حقوق نرم همکاری‌های بین‌المللی را تسهیل کرده و رفتار بازیگران جهانی را شکل می‌دهد. حقوق نرم در توسعه تدریجی اسناد حقوقی سخت، حل مشارکتی چالش‌های جهانی و نیز نقش آفرینی در ثبات روابط بین‌المللی مؤثر است.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir